

## تجارت مسلمانان و عوامل موثر بر رونق و توسعه‌ی آن تا پایان عصر اول عباسی

دکتر صالح پرگاری<sup>۱</sup>

سکینه خدابخشی کاسگری<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی تجارت مسلمانان و عوامل پیشرفت آن در جامعه اسلامی در طی قرون اول تا سوم هجری می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تجارت از ارکان مهم اقتصاد است. پژوهش درباره‌ی فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان به ویژه در قرون اولیه‌ی اسلام اهمیت بسیاری دارد. گسترش اسلام در سرزمین‌های دوردست تحولات اقتصادی مهمی را طی قرون اول تا سوم هجری به دنبال آورد و سرزمین‌های اسلامی را به یکی از مراکز مهم تجاری دنیای آن روز بدل نمود. تجارت مکه مقارن ظهور اسلام از رونق بالایی برخوردار بود. در قرن اول مسلمانان مشغول گسترش قلمرو اسلامی بودند. تجارت بیشتر در این دوره جنبه داخلی داشت. از اوایل قرن دوم تجارت در توسعه اقتصادی جامعه‌ی اسلامی نقش مهمی پیدا کرد و به تدریج در سرزمین‌های اسلامی رونق یافت. به طوری که از اواسط قرن دوم جنبه‌ی جهانی یافت. عواملی چون گسترش قلمرو اسلامی، روابط با سرزمین‌های دیگر، افزایش جمعیت و تولیدات، بازارها، اصناف، گسترش ضرب سکه و ایجاد شرکت‌های تجاری به رشد اقتصادی جامعه اسلامی کمک کرد و در شکوفایی و پیشرفت بازرگانی موثر بودند.

واژه‌های کلیدی: تجارت اسلامی، بازرگانان مسلمان، راه، کالاها، بازار، پول.

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی تهران. pargarisaleh@yahoo.com

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران. Khoda.bakhshi33.maryam@gmail.com

## **Muslim traders and factors affecting the growth and development by the end of the first era of the Abbasid**

### **Abstract**

The main objective of this paper is to study Muslims' trade and it's' progress factors in Islamic society during the first to third century A.H. The findings of this study suggest that trade is an important foundation of economy. Conducting research on Islamic economical activities, especially in early centuries is so important. The expansion of Islam in far lands, followed an important economic changes during first to third century of A.H, and it turned the Islamic lands into one of the most important world trade center at that time. When Islam promulgated trade in Mecca boomed. In the first century of Hejrat Muslims were busy with conquering. Trade in this era, mostly was domestic. From the early of second century of Hejra, commerce played an important role in promoting the economy of Islamic society and gradually boomed. So that from the middle of second century A.H., found universal aspect. Some factors such as: expansion of Islamic lands, relationship with other countries, increasing of population and productions, markets, guilds, minting coins and establishing commercial companies helped economic growth of Islamic society and also were effective in blooming and progressing of trade.

**Keywords:** Islamic trade, Muslim's merchants, road, goods, market, money.

مقدمه

در هر دوره‌ای بنا بر مقتضیات زمان حاکمان سعی می‌کنند که به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه توجه کنند و آسایش و رفاه مردم را برآورده نمایند. جامعه‌ای رشد و رونق می‌یابد که به امور اقتصادی از جمله کشاورزی،

دامپروری، صنایع، معادن و بازرگانی توجه شود. تمام ارکان اقتصاد به رکن اساسی آن یعنی تجارت وابسته است که بدون آن جامعه دچار رکود می‌شود. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در تلاش است به این سوال پاسخ گوید که چه عواملی موجب رشد و رونق تجارت مسلمانان از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی در قلمرو اسلامی شد؟ در قرن اول هجری جامعه اسلامی از لحاظ اقتصادی به غنیمت‌های جنگی، خراج، جزیه، زکات و عشور کالاهای بازرگانی وابسته بود و به علت کشورگشایی فرصتی برای تجارت و بازرگانی وجود نداشت. در قرن دوم هجری با پایان یافتن فتوحات و با توجه به گسترده‌گی قلمرو اسلامی و کسب غنایم فراوان، هزینه‌های اقتصادی دولت از طریق کشاورزی، صنایع، معادن و تجارت در سراسر قلمرو اسلامی تامین می‌شد (هیئت مولفان، ۱۳۸۳: ۳۲۷/۱؛ میکمل، ۱۳۸۱: ۱۹۲/۱؛ حسن، ۱۳۹۲: ۸۷۳؛ اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۵۱). در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت که با ایجاد فضای مناسبی که خلفا به وجود آوردند اوضاع اقتصادی کشور از رشد و رونق بالایی برخوردار شد. بازرگانی داخلی و خارجی نیز به تدریج رونق یافت. امنیت، احداث راه‌های ارتباطی و فراهم کردن تسهیلات لازم در بین راه‌ها، بازارها، ضرب سکه و روابط تجاری به رشد اقتصادی جامعه اسلامی کمک کرد. عواملی از جمله افزایش تولیدات کشاورزی، صنعتی، معدنی، افزایش صادرات و واردات، توسعه‌ی راه‌های زمینی و دریایی، اصناف و تشکیل اتحادیه‌های تجاری در شکوفایی و پیشرفت بازرگانی از اواسط قرن دوم تا اوایل قرن سوم موثر بودند. در رابطه با اوضاع اقتصادی اسلام از جمله محصولات کشاورزی، تولیدات صنعتی و معدنی منابع و اطلاعات کافی وجود دارد. با استفاده از منابع جغرافیایی، تواریخ عمومی و تحقیقات جدید نویسندگان داخلی و خارجی می‌توان به طور پراکنده و مختصر به اطلاعات و مطالب مفیدی

دست یافت. ولی پژوهش و اثر مستقلى در مورد تجارت اسلام و عوامل موثر بر توسعه‌ی آن در طی دو قرن اول و دوم نگارشی صورت نگرفته است. بنابراین محورهای اصلی این مقاله تجارت و تاجر در اسلام، تجارت در قلمرو اسلامی و عوامل موثر بر رشد و توسعه‌ی تجارت مسلمانان است.

### تجارت و تاجر در اسلام

«ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کرده و سودی برید» (قرآن، نساء، ۲۹). تجارت در لغت یعنی سوداگری، خرید و فروش و معامله. در علم اقتصاد یعنی نوعی اشتغال، کار، حرفه و پیشه (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۱۴). معنی اولیه‌ی تاجر در عربی خمّار (فروشنده‌ی شراب) بود. تاجران را به سه دسته‌ی الخزان، الرکّاض و المجهّز تقسیم کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۴۷/۶ و ۴۹). تجارت از ارکان مهم اقتصاد در یک سرزمین است. تولیدات کشاورزی، دامپروری، صنعتی و سایر محصولات به این رکن اساسی وابسته است. هیچ دینی به اندازه‌ی اسلام از تجارت پشتیبانی نکرد (فولتس، ۱۳۸۵: ۱۱۳). اسلام فضای مناسبی برای تجارت فراهم کرد و در سرزمین‌های اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود (وات، ۱۳۶۱: ۳۵-۳۶). اسلام با تجارت، داد و ستد و منفعت حلال ناشی از آن مخالفتی نداشت، بازرگانی را مشروع می‌دانست و آن را تشویق می‌کرد. ولی با تقلب، ربا، احتکار، گران‌فروشی مخالفت می‌کرد. اسلام با دین‌های دیگر در زمینه بازرگانی تسامح داشت، یهودیان، مسیحیان، مانویان، زرتشتیان و بوداییان در کنار مسلمانان به داد و ستد می‌پرداختند و با یک کاروان به مسافرت می‌رفتند (مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۹؛ ثواقب، ۱۳۸۷: ۷۵). و شیوه‌های تجاری بازرگانان همه ادیان یکسان بود (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۲۳/۲). رسول خدا (ص) کار را وظیفه‌ی فرد مسلمان و عملی پسندیده می‌دانست و فرمودند بازرگانی و کشاورزی در نزد خداوند پاداش دارد (علی، ۱۴۰۱: ۴۴۴). و بازرگان راستگوی روز قیامت با صدیقان

و شهیدان محشور می‌شود (غزالی، ۱۳۶۱: ۳۲۵/۱). حضرت علی (ع) رونق اقتصادی جامعه را در گرو توسعه‌ی صنعت، کشاورزی و تجارت می‌دانستند (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۳۲۱). به مالک اشتر فرمودند که با بازرگانان به نیکویی رفتار کند و آنان را منبع اصلی سود، منفعت و تامین کننده وسایل رفاه و آسایش مردم می‌دانست که از مسیرهای سخت و دور عبور می‌کردند تا کالاها را به دست مردم برسانند. آن حضرت می‌فرمودند برخی از بازرگانان آرام و صلح طلب‌اند و از ستیزه‌جویی و فتنه‌انگیزی به دوراند. برخی دیگر افرادی بدمعامله، تنگ نظر، بخیل و محتکراند که فقط به فکر منافع خود هستند و برای مردم و جامعه سودمند نیستند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بازرگانی شغل پرخطر ولی پرسودی بود، بازرگانان از تجارت‌های خطرناک (زرین-کوب، ۱۳۸۹: ۴۵۱). و تورم قیمت‌ها سود بیشتری نصیب‌شان می‌شد (لومبارد، ۱۳۹۰: ۱۷۰). بازرگانان در همه‌ی دوران‌ها جزء طبقه‌ی بالای جامعه به شمار می‌آمدند. در برخی از دوران بنا بر مقتضیات زمان جزء طبقه‌ی خاصی محسوب نمی‌شدند ولی از زندگی مرفه‌ای در جامعه برخوردار بودند. اکثرشان در شهرها زندگی می‌کردند و دارای ثروت، خانه‌های بزرگ و زندگی اشرافی با خدمتکاران فراوان بودند. وضعیت زندگی بازرگانان ثروتمند مکه در صدر اسلام بسیار عالی بود (علی، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۴). در زمان امویان بازرگانان ثروتمند ایرانی در برخی موارد هزینه‌های لشگرکشی عرب‌ها به ماوراءالنهر را می‌پرداختند (دنت، ۱۳۵۸: ۷). در عصر عباسیان دولت در مواقع ضروری از بازرگانان وام‌های سنگینی می‌گرفت (میکل، ۱۳۸۱: ۲۲۱/۱) و ایرانیان ثروتمندترین بازرگانان مسلمان در مشرق آسیا بودند (تیرنوری، ۱۳۸۵: ۵۸۲/۱). به گفته‌ی ابن‌حوقل بازرگانان فارس از شهرهای دیگر حریص‌تر بودند و جمع‌آوری مال و ثروت را دوست داشتند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۵۷). بازرگانان سیراف

نیز ثروتمند بودند و تمام ثروت آنان از راه تجارت دریایی و خرید و فروش عود، عنبر، کافور، عاج، جواهر، آبنوس، فلفل و... به دست می‌آمد (زیدان، ۱۳۸۹: ۳۷۹/۲). خانه‌ی یک تاجر عادی و متوسط بیش از ده هزار دینار می‌ارزید (حتی، ۱۳۸۰: ۴۳۷). بازرگانان نیشابور نیز ثروتمند بودند و ثروت بی‌شمار یک بازرگان مایه‌ی حیرت و شگفتی عبدالله بن طاهر شده بود (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۴۵۱). این امر نشان می‌دهد که بازرگانان ایرانی در تجارت و بازرگانی فعال و موفق بودند. بازرگانان عصر عباسی افرادی بسیار ثروتمند بودند. خریداران اصلی کالاهای گران‌قیمت چون جواهرات، فرش، لباس‌ها و ظرف‌های قیمتی و... افراد خاصی چون خلفاء، درباریان، بزرگان و ثروتمندان بودند مردم عادی قدرت خرید کالاهایی از این قسم را نداشتند. بازرگانان بیشتر در بغداد، بصره و شهرهای بزرگ اسلامی زندگی می‌کردند (زیدان، ۱۳۸۹: ۹۰۱/۵). مرفه‌ترین بازرگانان در این دوره بازرگانان ابریشم بودند و ارزش پولی یک محموله که از چین وارد می‌شد تقریباً پانصد هزار دینار می‌ارزید (مکی، ۱۳۸۳: ۲۹۰ و ۲۸۴).

### تجارت در قلمرو اسلامی

#### تجارت در صدر اسلام

اقتصاد عربستان به خصوص مکه بر تجارت استوار بود که به دو صورت سفرهای تابستانی و زمستانی انجام می‌شد. اعراب از طریق تجارت داخلی و خارجی امرار معاش می‌کردند. تجارت داخلی در شهرها و بازارهای منطقه بود ولی در تجارت خارجی بیشتر نقش واسطه تجاری شرق و غرب را به عهده داشتند. کالاهای وارداتی را به کشورهای دیگر صادر می‌کردند و از این طریق به سود و منفعت دست می‌یافتند. اعراب از دیرباز به تجارت اشتغال داشتند و مکه به تجارتش با یمن و شام شهرت داشت (سامر، ۱۳۹۱: ۱۹۹). قریش از فعال‌ترین قبایل عرب در امور تجاری به شمار می‌آمدند. پیشرفت و اقتدار مکه به وجود کعبه و اقدامات مهمی چون

تجمع قبایل (طبری، ۱۳۷۵: ۸۰۸/۳ و ۸۱۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۰۸/۱)، ایجاد مناصب اجتماعی، تاسیس دارالندوه (طبری، ۱۳۷۵: ۸۱۰/۳-۸۱۱)، برقراری ایلاف و پیمان-های تجاری ای (مقدسی، ۱۳۷۴: ۷۲۱/۲) که قصی بن کلاب و هاشم بن عبد مناف در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام دادند، برمی گردد. در یثرب، طائف و یمن، به دلیل دارا بودن آب و هوای مساعد و زمین قابل کشت کشاورزی رونق داشت. پرورش شتر و گوسفند یکی از راه‌های امرار معاش اعراب بدوی و صحرانشین بود. غارت و راهزنی نیز بیشتر توسط بیابان‌نشینان صورت می‌گرفت.

قبل از اسلام راه‌های تجاری آسیا به اروپا به علت جنگ‌های ایران و روم تغییر کرده بودند. بازرگانی شهرهای شبه جزیره به خصوص مکه محدود شد. بازرگانان به رباخواری روی آوردند و تعداد بسیاری از مردم به ثروتمندان بدهکار شدند و فاصله طبقاتی بالایی در جامعه به وجود آمد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۳). بازرگانان ثروتمند که دارای قدرت بسیاری بودند ریاست قوی‌ترین قبایل و انحصار تجارت را به خود اختصاص دادند (وات، ۱۳۴۴: ۴۹). اسلام موجب خطر منافع بزرگان و اشراف مکه شد که برای حفظ موقعیت اجتماعی خود به آزار و اذیت مسلمانان پرداختند و موجب مهاجرت آنان به مدینه شدند. مردم مدینه بیشتر به کشاورزی اشتغال داشتند و تجارت‌شان داخلی بود. مدینه در مسیر عبور کاروان‌های بازرگانی مکه به شام واقع شده بود و هنگام توقف کاروان‌ها مردم با آن‌ها معامله می‌کردند (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۴۳). یهودیان ساکن مدینه اهل بازرگانی بودند و تجارت خرما، جو و گندم در شمال حجاز در انحصارشان بود (امینی، ۱۳۷۲: ۹۳). بعد از ورود مهاجران به علت افزایش جمعیت، نیاز به تولیدات کشاورزی بیشتر شد در نتیجه بازار داخلی این شهر رونق یافت (علی، ۱۳۷۵: ۳۶۹). مسلمانان برای مبارزه با مشرکان مکه و ضربه زدن به تجارت قریشیان مانع حرکت کاروان‌های تجاری‌شان به

شام می‌شدند، به آن‌ها حمله می‌کردند و اموال‌شان را به غنیمت می‌گرفتند (زرین-کوب، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳). بعد از جنگ بدر برخی از قبایل بادیه‌نشین که امنیت راه‌های کاروانی را به عهده داشتند به مسلمانان ملحق شدند و راه‌های مهم تجاری مکه به شمال بسته شد (لاپیدوس، ۱۳۸۷: ۶۷) قریش نیز به دلیل ناامن بودن راه، مسیر تجاری را تغییر دادند و از عراق به شام سفر می‌کردند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۳۲۷/۲؛ ابن-هشام، ۱۳۵۹-۱۳۶۰: ۶۳۴/۲).

قبایل اطراف مدینه که در طی سال با کالاهای خود برای داد و ستد به مدینه می‌آمدند نقش مهمی در توسعه‌ی تجارت بر عهده داشتند (ابن‌ادریس، ۱۳۸۶: ۳۰۰). حضرت محمد (ص) با تشویق تجارت (دورانت، ۱۳۸۰: ۲۳۱/۴)، بهره‌مندی از موقعیت مدینه<sup>۱</sup> (ابن‌ادریس، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۲۷۶-۲۷۷) و سابقه و تجربه مردم شهر در تجارت و با مشارکت مهاجران و انصار به بازرگانی رونق بخشیدند (صدر، ۱۳۷۴: ۱۷۰). مسلمانان در مدینه به صراف‌ی می‌پرداختند و آن را نوعی تجارت می‌دانستند. فعالیت‌های صراف‌ی بر اساس فروش مستقیم طلا در برابر نقره انجام می‌شد (ابن-ادریس، ۱۳۸۶: ۳۰۰). انحصار تجارت با فتح مکه در اختیار بازرگانان مسلمانان قرار گرفت (صدر، ۱۳۷۴: ۱۷۱). آزادی تجارت در اسلام موجب رونق تجارت مدینه شد. بازرگانان دارای آزادی مطلق در خرید و فروش کالا بودند و انواع کالاها به مدینه وارد می‌شد. مدینه منطقه آزاد تجاری شد و جای مکه را در تجارت گرفت. مردم مکه بیشتر تاجر بودند و تولیدی نداشتند ولی مردم مدینه در دو زمینه‌ی تجارت و کشاورزی فعالیت می‌کردند که همین مسئله موجب شکوفایی شهر شد (صدر، ۱۳۸۳: ۵۰۹). مسلمانان با فتح سوریه (شام) مرکز تجاری، از یک طرف به بازرگانی فعال مردم سوریه در اروپای غربی پایان دادند و از طرف دیگر تعدادی از کارگران ماهر

<sup>۱</sup> مدینه ایستگاه و استراحت‌گاه کاروان‌های بازرگانی یمن به شام و شرق محسوب می‌شد که ضمن استراحت به داد و ستد مشغول می‌شدند.



صنایع نساجی به زیر سلطه‌ی اعراب درآمدند (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۳۵). تجارت مسلمانان تا دوره‌ی امویان بیشتر داخلی و منطقه‌ای بود. مسلمانان از طرفی مشغول غزوه‌ها، سریه‌ها و فتوحات بودند و سرمایه و فرصت کافی برای تجارت خارجی نداشتند. برخی افراد که دارای سرمایه‌ی کافی بودند به تجارت خارجی می‌پرداختند. از طرف دیگر خارجیان نیز نمی‌توانستند در تجارت خارجی فعالیت گسترده‌ای داشته باشند چون اوضاع داخلی قلمروشان به دلیل فتح سرزمین‌شان توسط مسلمانان نابسامان و آشفته بود و تجارت بیشتر منحصر به مواد غذایی و نیازهای اولیه‌ی زندگی بود (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

#### تجارت در عصر امویان

در این دوره فتوحات مسلمانان به سرزمین‌های دیگر ادامه داشت. از جبل الطارق در غرب تا سند در شرق جزء قلمرو اسلامی گردید (گرمبرگ، ۱۳۶۹: ۵۷/۴؛ حورانی، ۱۳۳۸: ۸۲). این امر موجب پیدایش جنگجویان و رزمندگان شد به طوری که طبقه‌ی بازرگانان در خلافت اموی نقشی نداشتند و توجهی به آنان نمی‌شد. تجارت را تشویق نمی‌کردند و نقش مهمی در اقتصاد جامعه نداشت (متز، ۱۳۶۴: ۵۰۷/۲؛ مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۲). فقط در برخی از شهرها محله‌هایی به صاحبان مشاغل و بازرگانان اختصاص یافته بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۴۸/۶). پس از آرام شدن فتوحات اسلامی و پیوستن اعراب با ملل غیرعرب، تجارت در عالم اسلامی رونق یافت. دولت توسعه یافته بود، خلفا و ثروتمندان برای رفع نیاز کاخ‌ها و وسایل خوشگذرانی خود تجارت را تشویق می‌نمودند (سامر، ۱۳۹۱: ۱۹۹). با تصرف اندلس و سراسر آفریقای شمالی و ایران، تمامی تجارت دریای سرخ، رود نیل، سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه و تجارت ابریشم به انحصار مسلمانان درآمد و فعالیت بازرگانی از دوره‌ی قبل گسترش بیشتری یافت (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۳۵-۲۳۶). قبل از آن

بازرگانان برای ورود و خروج کالاهای خود عوارض پرداخت می‌کردند ولی در سرزمین‌های فتح شده برای بازرگانان مسلمان این مانع برداشته شد و بازرگانی کشورهای اسلامی در حد جهانی گسترش یافت (گریمبرگ، ۱۳۶۹: ۵۷/۴). از بازرگانان مسلمان فقط دو و نیم درصد، از اهل ذمه پنج درصد و از غیرمسلمانانی که در کشورهای غیراسلامی سکونت داشتند ده درصد (عشر) مالیات دریافت می‌کردند (یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۳۵: ۲۰۳-۲۰۴).

در ایران بعد از سال‌ها رکود بازرگانی بعد از سقوط ساسانیان و جنگ و درگیری با مسلمانان تجارت دوباره رونق گرفت (مزارعی، ۱۳۸۴: ۲۷۰). در این دوره فقط عرب نژادان به کارهای حکومتی می‌پرداختند و برخی امور دیوانی به ایرانیان واگذار می‌شد. در دوره‌ی خلافت عبدالملک بن مروان شرط اصلی برای پرداختن به امور دیوان، مسلمان بودن و دانستن زبان عربی بود. همچنین، به دلیل استبداد و زورگویی والیان و حکام عرب، به دست آوردن این گونه شغل‌ها خطر مالی و جانی برای ایرانیان به همراه داشت. این امر موجب شد ایرانیان به تجارت روی آورند و به این دلیل که قبل از عرب‌ها و سایر ملت‌ها به راه‌های زمینی و دریایی هند و چین آشنایی داشتند بازرگانی مشرق را به دست گرفتند (نیرنوری، ۱۳۸۵: ۵۸۲). در دوره‌ی ولید بن عبدالملک (طقوش، ۱۳۹۱: ۱۴۶؛ دورانت، ۱۳۸۰: ۲۵۰/۴) و عمر بن عبدالعزیز (بشارتی، ۱۳۷۹: ۱۲۵/۱) به امور داخلی کشور رسیدگی، امنیت و نظم برقرار شد. از طریق گشودن بازارهای جدید و اصلاح راه‌ها صنعت، کشاورزی و بازرگانی رونق گرفت. حجاج بن یوسف (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۴۶/۲؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۹۶) که در زمان عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک حاکم عراق بود (طبری، ۱۳۷۵: ۲۵۱۸/۸ و ۳۸۲۸/۹)، اصلاحاتی از جمله ساختار مالی، نظارت بر معیارهای وزن و سنجش کالاها بر اساس اصول ثابت انجام داد که زمینه‌ی رشد و رونق تجارت و اقتصاد عراق را فراهم نمود (ترمانینی، ۱۳۸۵: ۲۶۹/۱).

### تجارت در عصر عباسیان

در این دوره فتوحات و کشورگشایی به پایان رسیده بود. در ابتدا خلفا برای حفظ حکومت و مبارزه با دشمنان به امر تجارت پرداختند. به تدریج بازرگانی داخلی و خارجی به دلیل امنیت و وسعت قلمرو خلافت رونق یافت. عامه‌ی مردم در این دوره به دو گروه تقسیم می‌شدند. طبقه‌ی بالا دانشمندان، هنرمندان، صنعتگران، بازرگانان و پیشه‌وران بودند که به طبقه‌ی اشراف نزدیک بودند و طبقه‌ی پائین از کشاورزان، چوپانان و روستانشینان تشکیل می‌شدند (حتی، ۱۳۸۰: ۴۳۴). بازرگانان در این دوره از طبقه‌ی اشراف نبودند بلکه طبقه‌ی متوسط جامعه به شمار می‌آمدند چون اشراف تجارت را در حد شأن و مقام خود نمی‌دانستند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۴۸/۶). بازرگانان عرب قبل از اسلام و سال‌ها بعد از اسلام واسطه‌ی تجارت آسیا، اروپا و آفریقای شمالی بودند ولی در این دوره اعراب مسلمان خود مستقیماً وارد تجارت با این سرزمین‌ها شدند (مزارعی، ۱۳۸۴: ۱۴۶ و ۲۷۰). به دنبال توقف فتوحات، کسب غنایم نیز به پایان رسید. خلفای عباسی به فکر منبع درآمد جدیدی بودند که بتوانند از طریق آن هزینه‌های دولت و کشور را تامین نمایند به همین منظور به امور کشاورزی، صنایع، معادن و تجارت توجه‌ای ویژه نمودند و با ایجاد فضایی مناسب، اوضاع اقتصادی کشور از رشد و رونق بالایی برخوردار شد (هیئت مولفان، ۱۳۸۳: ۳۲۷/۱؛ میکمل، ۱۳۸۱: ۱۹۲/۱).

تا هنگامی که بغداد مرکز خلافت بود تجارت میان خلیج فارس، هند و چین از یک طرف و خلیج فارس، آفریقای شرقی و دریای سرخ از طرف دیگر بسیار رونق داشت (حورانی، ۱۳۳۸: ۷۰) و تجارت آن از هر لحاظ از اروپا بزرگ‌تر، سازمان یافته‌تر، جلوتر و غنی‌تر بود (لوئیس، ۱۳۸۶: ۱۸۴). سه قرن اول خلافت عباسیان به دلیل توجه خلفا به ادبیات، کلام، فلسفه، علوم طبیعی و مسائل اقتصادی تمدن

اسلامی بسیار شکوفا شد (باسورث، ۱۳۸۱: ۴۷). دوره‌ی اول عباسی از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به اوج ترقی و شکوه خود رسید و دوران طلایی نامیده شد. در دوره‌ی هارون و مامون بغداد به نهایت عظمت خود رسید و به مرکز تجارت جهانی تبدیل گردید (حتی، ۱۳۸۰: ۳۷۶؛ طقوش، ۱۳۹۰: ۸۹). اعراب در انتقال کالا با مسیحیان، یهودیان و ایرانیان همکاری می‌کردند و از این طریق حمل و نقل و داد و ستد در شهرها افزایش یافت (دورانت، ۱۳۸۰: ۲۶۷/۴). صراف‌ی در دست یهودیان بود و در بغداد و سایر شهرهای بزرگ صراف‌ی موجود بود که با سود بالا به دولتیان وام می‌دادند (زیدان، ۱۳۸۹: ۹۰۳/۵). بازرگانان به صرافان در بازار احتیاج داشتند در سرزمین‌ها و شهرهای مختلف هر کدام دارای پول مخصوصی بودند. این افراد پول تاجران را به پول مورد نیازشان در ازای مبلغی معین تبدیل می‌کردند.

بازرگانان در عصر هارون (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ۲۱۲). به دلیل رونق تجارت اتحادیه‌ای به منظور نظارت بر داد و ستد و جلوگیری از تقلب و فریب تشکیل دادند. رئیس اتحادیه را «رئیس‌التجار» می‌نامیدند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۴۹/۶). این فرد از مقتدرترین و بانفوذترین بازرگانان بود که اعضای آن از بازرگانان و یا نمایندگان‌شان تشکیل می‌شدند و آن‌ها را «امنا» می‌نامیدند. هریک از مراکز بازرگانی دارای اتحادیه جداگانه‌ای برای خود بودند (علی، ۱۴۰۱: ۴۱۱). بازرگانان مسلمان مفهوم مشارکت در کسب و کار را ابداع کردند یعنی سرمایه‌ای که بازرگانان برای تجارت استفاده می‌کردند یا متعلق به خودشان بود و با سرمایه‌ی خود کالا خرید و فروش می‌کردند و یا از طریق مشارکت با بازرگانان دیگر به تجارت می‌پرداختند و به نسبت مبلغی که هر کدام سرمایه‌گذاری کرده بودند در سود و زیان شریک می‌شدند. گاهی خلیفه و مقامات دولتی نیز برای کسب درآمد بیشتر در بخش بازرگانی سرمایه‌گذاری می‌کردند تا از این طریق به ثروت‌شان افزوده شود (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۲۳/۲). تعدادی از بازرگانان نیز فقط برای خلیفه تجارت می‌کردند

که «وکیل خلیفه» نامیده می‌شدند. در این دوره «دیوان صادرات» شکل گرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۴۹/۶). افزایش قیمت کالا و کمبود پول به سود بازرگانان و درباریان بود. بازرگانان از این فرصت بهره می‌بردند و سرمایه‌های خودشان را یا صرف خرید کالاهای سودآور می‌کردند و یا در شرکت‌های بازرگانی سرمایه‌گذاری می‌کردند. درباریان نیز از تاجران مالیات سنگینی می‌گرفتند. در برخی مواقع تاجران به دلیل افزایش ثروت‌شان مورد خشم و حسادت خلیفه و درباریان قرار می‌گرفتند و به همین دلیل به بهانه‌های مختلف اموال‌شان مصادره می‌شد (مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

#### عوامل موثر بر رشد و توسعه‌ی تجارت مسلمانان

تشکیل امپراتوری گسترده اسلامی از اسپانیا و شمال آفریقا تا آسیای مرکزی و اقیانوس هند نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه‌ی بازرگانی داشت. اقوام و ملیت‌های گوناگون با انواع فعالیت‌های اقتصاد کشاورزی، صنعتی، دریایی و پولی در یک نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی متمرکز شدند که موجب سهولت در امر بازرگانی گردید (مزارعی، ۱۳۸۴: ۲۶۹).

#### امنیت

مهم‌ترین عامل رشد و توسعه‌ی بازرگانی داخلی و خارجی را می‌توان امنیت جاده‌ای و دریایی یک سرزمین دانست. وجود کعبه در مکه موجب امنیت مردم برای مراسم حج و تجارت بود که در طول ماه‌های حرام جنگ و خونریزی متوقف می‌شد. پیمان‌ها از جمله ایلاف و روابط سببی با قبایل دیگر نیز موجب امنیت مسیرهای تجاری می‌شد. مکیان این امنیت را بیشتر برای منافع و مصلحت خود برقرار می‌کردند تا تجارت و بازرگانی‌شان رونق یابد (علی، ۱۳۷۵: ۱۷۱). در عصر امویان، خلفا برای رونق تجارت و حفظ امنیت کاروان‌های تجاری امکانات رفاهی در مسیر

حرکت کاروان‌ها برای بازرگانان فراهم نمودند(عثمان، ۱۳۷۶: ۲۴۱). خلفای عصر اول عباسی نیز اقداماتی از جمله احداث بناها و کاروان‌سراها، ایجاد شبکه‌ای از راه‌های تجاری و برقراری ایستگاه‌های نگهداری در راه‌ها جهت امنیت جامعه به عمل آوردند که موجب گسترش امنیت، آبادی شهرها و تبدیل شدن بغداد به مرکز تجاری، فرهنگی و هنری شد(خضری، ۱۳۸۴: ۴۵؛ طقّوش، ۱۳۹۰: ۷۴). هارون و مامون در قراردادی که با امپراتوری روم بستند امنیت راه‌ها، شهرها و گسترش بازرگانی بین دو طرف را مدنظر قرار دادند(طبری، ۱۳۷۵: ۵۱۲۱/۱۲ و ۵۷۴۸/۱۳-۵۷۴۹). علاوه بر آن هارون و مامون برای سرکوب ساختن دزدان دریای پارس که در مسیر تجاری هند و چین اختلال ایجاد می‌کردند و بزرگ‌ترین خطر برای مسافرت و تجارت دریایی محسوب می‌شدند، اقداماتی به عمل آوردند(رائین، ۲۵۳۶: ۳۰۵/۱؛ افشار(سیستانی)، ۱۳۷۶: ۱۸۴). واثق عباسی نیز برای رونق بازرگانی امنیت را در راه‌های تجاری شمال جزیره‌العرب برقرار کرد(طقّوش، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

عدم امنیت در سرزمینی بر تجارت تاثیر فراوانی داشت و منجر به رکود بازرگانی خارجی و کمی کالاها در بازارها می‌شدند. جنگ، زد و خوردها، غارت، راهزنی، حمله به کاروان‌های تجاری و خرابی جاده‌ها و پل‌ها علاوه بر خطراتی که در مسیرهای تجاری برای کاروان‌ها به همراه داشت موجب عدم حضور به موقع کاروان‌ها به محل تجارت می‌شد و منجر به ضعف و یا قطع داد و ستد در منطقه یا سرزمینی می‌گشت. (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ علی، ۱۳۹۱: ۶۰). عدم امنیت در تجارت دریایی از جمله دزدی و طوفانی شدن دریا در برخی مواقع منجر به شکستن و از بین رفتن کشتی‌ها و کالاها می‌شد(حورانی، ۱۳۳۸: ۹۵؛ تاجر سیرافی، ۱۳۸۱: ۵۴).

اولین رکود تجارت دریایی عرب‌ها در خاور دور در سال ۱۴۱ هجری بعد از واقعه-

ی آتش‌سوزی بندر خانفو (کانتون) در چین اتفاق افتاد (رائین، ۲۵۳۶: ۳۰۰/۱). زطها<sup>۱</sup> در دوره‌ی معتصم با آزار، اذیت، غارت بازرگانان، جلوگیری از رسیدن مواد خوراکی و کالاها به بغداد و گرفتن باج و مالیات از بازرگانان و کشتی‌ها موجب گرانی و بازار سیاه در عراق شده بودند (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۰۱/۱۳؛ خضری، ۱۳۸۴: ۹۳؛ طقوش، ۱۳۹۰: ۱۶۸). که این امر منافع اقتصادی و امنیت دولت را به خطر انداخته بود و موجب رکود بازرگانی در این منطقه شده بود.

### راه‌های تجاری

راه‌ها به خصوص راه‌های تجاری که فعالیت‌های بازرگانی به آن وابسته بودند از اهمیت بالایی در پیشرفت تجارت برخوردار بودند. وجود راه‌های متعدد میان اقیانوس هند و دریای مدیترانه که از جنوب شرقی به شمال غربی امتداد داشتند خلیج فارس و دریای سرخ را به دریای مدیترانه، دریای سیاه و دریای خزر متصل می‌کردند. راه‌های کاروانی نیز از شمال شرقی به جنوب غربی کشیده می‌شدند که از صحراها و کویرهای آسیا و آفریقا می‌گذشتند. جاده‌ی ابریشم<sup>۲</sup> (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰، ۸۵-۸۶؛ بقائی، ۱۳۹۱، ۱۸-۱۹)، جاده‌ی بخور<sup>۳</sup> (مزرعی، ۱۳۸۴: ۱۴۶؛ اجتهادی، ۱۳۶۳: ۳۷؛ قره‌چانلو، ۱۳۸۰: ۲۴۳/۱). و راه ادویه<sup>۴</sup> مهم‌ترین راه‌های بازرگانی خشکی و دریایی سرزمین‌های اسلامی بودند (ماله، ۱۳۶۶: ۳؛ پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در قرن دوم گسترش قلمرو اسلامی و فعالیت تجاری، راه‌های ارتباطی بغداد به ایران،

<sup>۱</sup> . کولی‌ها یا کارگران هندی بودند که در بندرهای عراق و به خصوص بصره به بارگیری و تخلیه‌ی کشتی‌ها مشغول بودند.

<sup>۲</sup> . این جاده از چین در شرق تا انطاکیه در غرب امتداد داشت.

<sup>۳</sup> . این جاده از جنوب و مغرب شبه جزیره عربستان شروع می‌شد و در غزه پایان می‌یافت.

<sup>۴</sup> . راهی دریایی بود که از هند شروع می‌شد و پس از عبور از اقیانوس هند، خلیج فارس، دریای عرب، دریای سرخ و مصر به اسکندریه در کنار دریای مدیترانه پایان می‌یافت.

هند، چین، نواحی آفریقا، اندلس (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۴۶). و روسیه (مکی، ۱۳۸۳: ۲۹۸؛ علی، ۱۴۰۱: ۴۴۴). زمینه‌ی ارتباط را بین سرزمین‌های مختلف برقرار می‌کرده است. مسلمانان برای ارتباط بازرگانی با هند و چین، با تصرف ایران و مناطق مهمی که به هند و چین می‌رسید و با سرکوب راهزنان امنیت راه‌های تجاری را برقرار کردند. بسیاری از افراد از سوی خلفا و وزرای آن‌ها مامور شدند تا اطلاعات مربوط به مسافت راه‌ها و دیگر ویژگی‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی را جمع‌آوری کنند (یاری، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۸۷). در دوره‌ی سفاح هدف مسلمانان تسلط بر راه تجارت جهانی شرق، یعنی هند و چین و همچنین محدود کردن نقش چین در تجارت جهانی بود (طقوش، ۱۳۹۰: ۳۵). منصور عباسی نهری از رود فرات تا شهر بغداد روانه کرد تا کالاهای شام و جزیره به آسانی به بغداد برسد (بیانی، ۱۳۷۷: ۱۲۵). پیشرفت و توسعه‌ی راه‌های ارتباطی زمینی، دریایی و رودخانه‌ای که گسترش کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری را دربرداشت موجب سهولت بازرگانی در جهان گردید.

### بازارها و اصناف

بازارها محل خرید و فروش کالاها و مرکز تجارت و صنایع بودند. بازارها در بازرگانی داخلی و خارجی و در زندگی اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی داشتند. بعد از مسجد مهم‌ترین عنصر شهرهای اسلامی بودند و ستون اصلی شهر را از نظر اقتصادی تشکیل می‌دادند (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۱۰۸). موقعیت بازار و فعالیت بازاریان موجب توجه حکومت‌ها به بازار می‌شد. اجرای قانون و نظارت بر بازار در دوره‌های مختلف اسلامی زیر نظر حکومت اسلامی اداره می‌شد. ماموران حکومت و گاهی خلفا شخصاً به بازار سرکشی و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و به نظم داد و ستد می‌پرداختند و بازاریان را به معامله‌ی نیکو امر می‌کردند (واقدی، ۱۳۷۴: ۲۱/۳؛ ابن هلال ثقفی، ۱۳۷۱: ۴۴). خلفایی که به بازرگانی توجه خاص



داشتند مراقبت و نظارت بر بازارها، سنگ‌ها، پیمان‌ها و قیمت‌ها را به عهده‌ی عامل بازار قرار می‌دادند تا فروشندگان تقلب نکنند (حسن، ۱۳۹۲: ۹۵۷). ناظر بازار را عامل السُّوق (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۴۲؛ مکی، ۱۳۸۳: ۲۹۳). یا صاحب السُّوق (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۳۴۸/۱). می‌نامیدند و در عصر عباسیان محتسب نامیده می‌شد (علی، ۱۳۷۵: ۲۵۳). رشد شهرها و پیشرفت و رونق تجارت بر بازارها تاثیر گذاشتند. بازارها که قبل از آن عمومی بودند بر اساس نوع کالا تقسیم‌بندی و صنف‌بندی شدند (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۷۴). بدین ترتیب که هر بازار به یک نوع حرفه و کسب اختصاص یافت. هر حرفه نیز دارای رئیسی بود که از طرف دولت انتخاب می‌شد. از جمله عوامل ایجاد بازارهای تخصصی، جلب مشتری بیشتر، جداسازی صنایع گران‌بها از صنایع کم‌بها، آگاهی سریع‌تر از قیمت‌های خرید و فروش در بین همکاران، آسان‌تر بودن مراقبت و نظارت حکومت بر بازار و دسترسی سریع‌تر مردم به کالاهای مورد نیاز بود (الشیخلی، ۱۳۶۲: ۵۸-۵۹). ترتیب و تنظیم بازارها در صدر اسلام به وجود آمدند و پیامبر (ص) در مدینه بازارهای تخصصی برپا کردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۲). بازارها در طی دو قرن گسترش پیدا کردند و شامل اصناف متعددی شدند از جمله بازارهای مخصوص بزازان (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۳۲؛ حموی، ۱۳۸۰: ۸۱۶/۱)، گل، خوراکی، زرگران، گوسفند، کتاب، کالاهای چینی (احسن، ۱۳۶۹: ۱۵۸)، صابون (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۴۸/۵)، شیرینی، صراف‌ها، آرد، نانواها، برده، سفیدگرها، آهنگرها، رفوگرها، افزارهای جنگ، قصابان، بریان‌گران، خرما، ماهی، شتر، مرغ، دباغان، باقلا، کاغذ، کفاشان، عطاران، روغن، حریر، جواهر، دارو، میوه و... بودند (الشیخلی، ۱۳۶۲: ۵۶-۵۹) که در بغداد و سایر شهرهای اسلامی برپا می‌شدند.

عرب‌ها برای رونق بخشیدن به تجارت، بازارهایی را در شمال و جنوب به وجود آوردند. بازارهای موسمی در روزهای معینی از سال در شبه‌جزیره برپا می‌شدند. این بازارها در ماه‌های حرام برگزار می‌شدند تا از دستبرد راهزنان در امان باشند. در میان عرب قومی بودند که هرگاه در این بازارها می‌آمدند به ظلم و ستم می‌پرداختند و به آن‌ها "مُحِلُّون" (حلال شمرندگان) می‌گفتند. کسانی نیز بودند که این کار را ناپسند می‌شمردند و خودشان را برای یاری ستم‌دیده و جلوگیری از خون‌ریزی آماده می‌کردند و آن‌ها را "الذاده المحرمون" (حمایت کنندگان و حرام شمارندگان) می‌نامیدند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۵۰/۱). بازارهای مهمی چون دومه‌الجندل، مشقر، صحار، دبا، شحر، عدن، صنعا، رابیه، ذی‌المجاز و عکاظ که در ایام معین در حجاز برپا می‌شد در شکوفایی آن موثر بود (بیرونی، ۱۳۶۳: ۵۲۱؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۴۹/۱-۳۵۰). در صدر اسلام به منظور حمایت از دکان‌داران و زمینه‌سازی برای رشد و رونق بازار مسلمانان در مدینه در مقابل بازار یهودیان و مشرکان مالیاتی وضع نشد (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۷۹). خلفا برای رونق بازرگانی بازارهایی را تشکیل دادند. معاویه در بازار مدینه دو ساختمان به نام‌های دارالقطران و دارالنقصان بنا کرد که با اجاره دادن آن‌ها سنت اجاره‌ی محل تجارت پایه‌گذاری گردید. عبدالملک بن مروان تعدادی "قیساریه" در فسطاط بنا کرد که قیساریه العسل، قیساریه الحبال، قیساریه الکباش و قیساریه البز از جمله‌ی آن بازارها بودند. به دستور هشام بن عبدالملک بازارهایی در قیروان، مدینه، کوفه و فسطاط بازسازی و احداث گردید (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۳۹-۲۴۰). در عصر عباسیان با رشد و رونق اقتصاد و توجه خلفا به تجارت بر تعداد بازارها افزوده شد (تاد، ۱۳۴۲: ۲۸۱). بصره دارای سه بازار قطع‌الکلا در کنار نهر، بازار بزرگ میرید و باب‌الجامع بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۲/۱). بازار میرید از نخستین و مشهورترین بازارهای اسلامی بود که در دوره‌ی امویان به بازار عمومی مبدل گردید. در عصر عباسیان برای جلب انواع کالا از سراسر جهان به «خزانة العرب» ملقب گردید و به

صورت بازار بزرگ جهانی درآمده بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۳۵۴-۳۵۵).  
 بغداد دارای بازار و اصناف متعددی بود از جمله بازار خنافس (طبری، ۱۳۷۵:  
 ۱۶۲۴/۴)، بازار «باب الشام»، بازار «باب البصره» (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۶)، بازارهای  
 معروف رصافه که سوق العطش و سوق الری نام داشت (بیانی، ۱۳۷۷: ۱۲۸ و ۱۳۰)  
 بازار «باب الطاق» (قره چانلو، ۱۳۸۵: ۲۵/۱) سوق الثلاثاء (سه شنبه بازار) (ابن بطوطه،  
 ۱۳۷۶: ۲۷۵/۱) و در قسمت غربی بغداد منطقه‌ی تجاری پایتخت عباسیان، بازار کرخ  
 بود (مکی، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

#### صادرات و واردات کالاها

افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، افزایش صادرات و واردات، افزایش مصرف  
 کالاهای تجملاتی و روابط بازرگانی با نواحی گوناگون در رونق تجارت بسیار موثر  
 بود. بازرگانان کالاهایی چون انواع پارچه‌های نفیس، عطریات، ادویه‌جات، سنگ‌های  
 قیمتی، مصنوعات گران‌قیمت، بردگان و کنیزان، انواع میوه، مواد غذایی، معدنی و  
 سایر محصولات ضروری را در کشورهای مختلف داد و ستد می‌کردند. قلمرو اسلام  
 شامل سرزمین‌هایی با تولیدات کشاورزی، معدنی، صنعتی و سازمان بازرگانی‌ای بود  
 که جزء مهم‌ترین مناطق اقتصادی محسوب می‌شدند. سرزمین‌های بین‌النهرین، ایران،  
 مصر، شمال آفریقا و اندلس از لحاظ کشاورزی، قفقاز، آفریقای شمالی و شرقی،  
 اسپانیا، هند و سودان از لحاظ معادن، شهرهای ایران، بین‌النهرین، سوریه و مصر از  
 نظر تولیدات صنعتی و بنادر خلیج فارس، دریای سرخ، سوریه، اسکندریه، سیسل و  
 جبل الطارق که دارای بنادر بزرگ و مراکز کشتی‌رانی بودند از نظر سازمان بازرگانی  
 و دریانوردی به اقتصاد سرزمین‌های اسلامی کمک می‌کردند (لومبارد، ۱۳۹۰: ۲۳-  
 ۲۴).

بازرگانی در شبه جزیره عربستان به علت وجود عدن و عمان مفید و پر رونق بود. بازار منا، اقیانوس هند، جدّه، جار، انبارهای مصر، وادی القرا، شام، عراق و یمن مرکز خرید و فروش سربند، عقیق، پوست و برده بودند. محصولات چوب دارویی، عطرها، مشک، زعفران، بکم، ساج، ساسم، عاج، لولو، دیبا، مهره یاقوت، آبنوس، نارگیل، قند، اسکندروس، صبر، آهن، سرب، خیزران، سفال، صندل، بلور، فلفل و کندر به عمان وارد سپس به عراق و مشرق صادر می‌شدند. علاوه بر کالاهای ذکر شده، عنبر، مشروبات، سپر، خدمتگذاران حبشی و پوست پلنگ به عدن وارد سپس به مکه و مغرب صادر می‌شدند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۳۷). با رونق و گسترش بازرگانی در قرن دوم و سوم انواع کالاها و تولیدات کشاورزی، صنعتی، دامی و معدنی از سراسر جهان توسط بازرگانان کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی به طور مداوم به بغداد وارد می‌شدند. این امر به پیشرفت سطح زندگی، رفاه ساکنان و افزایش جمعیت این شهر کمک کرد. بازرگانان از چین حریر، چینی، چای، انواع داروها (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ۷۲۰)، مشک، عود، زین، برگ، دارچین، کاشی، فلزات و رنگ، از هند فلفل و سایر ادویه، عطر (علی، ۱۴۰۱: ۴۱۶)، ظرف‌ها، نارگیل، فیل، اسلحه و سنگ‌های قیمتی (جواهر)، از یمن عطر و بوهای خوش (حتی، ۱۳۸۰: ۳۸۶)؛ حورانی، ۱۳۸۷: ۷۵؛ حسن، ۱۳۹۲: ۹۵۷)، از تبت مشک (میکل، ۱۳۸۱: ۲۱۲/۱)، از ایران انواع محصولات و کالاها چون انواع پارچه، مواد معدنی، غذایی، خشکبار، بقولات، انواع عطر، گلاب (حتی، ۱۳۸۰: ۳۸۶)؛ لوکاس، ۱۳۶۶، ۱/۳۶۰) و برف<sup>۱</sup> (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۵۲۱/۶)؛ میرجلیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳)، از جزیره خواروبار (طقوش، ۱۳۹۰: ۶۰)، از ارمنستان چوب ساختمانی، پستی و قالیچه،

<sup>۱</sup> برف از کالاهای مهم صادراتی ایران بود که در طول زمستان از کوهستان‌های غربی جمع، به بغداد فرستاده و در سرداب‌های زیرزمینی ذخیره می‌شد. برف در سراسر تابستان برای سرد نگه داشتن مواد غذایی و معتدل کردن هوای سرداب‌های خلیفه و ساکنان ثروتمند شهر به کار می‌رفت.

از شام روغن، انار، سلاح، شیشه و آهن، از عربستان یاقوت، اسلحه و دیبای منقش (مکی، ۱۳۸۳: ۲۹۹؛ حتی، ۱۳۸۰: ۳۸۶)، از روسیه پوست روباه، عسل و موم، از اروپا خز، عسل، برده و الوار(دان، ۱۳۸۲: ۱۴۶/۲؛ تاد، ۱۳۴۲: ۲۸۶)، از هند و آفریقا مواد اولیه کشتی سازی مثل چوب ساج و درخت نارگیل(هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۲۲/۲)، از مصر برنج، گندم، کتان و انواع کاغذهای رنگین(حتی، ۱۳۸۰: ۳۸۶) و از آفریقا عاج، طلا، مروارید، سنگ‌های قیمتی و بردگان به بغداد وارد می‌کردند(حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۴/۳؛ میکمل، ۱۳۸۱: ۲۱۲/۱). بازرگانان انواع کالاها را پس از ورود به بغداد و مصرف داخلی مازاد آن را به بازارهای جهانی شرق دور، اروپا و آفریقا صادر می‌کردند(حتی، ۱۳۸۰: ۳۸۶-۳۸۷؛ حسن، ۱۳۹۲: ۹۵۷).

#### پول و ضرب سکه‌ها

افزایش معاملات و خدمات تجاری، تقاضا برای پول را پدید می‌آورد که به عنوان رکنی ضروری در مبادلات ایفای نقش می‌کند. جامعه‌ی اسلامی در ابتدا دارای پول خاص خود نبود و از درهم و دینار ایران و روم در معاملات استفاده می‌کردند. در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری با اقدامات عبدالملک بن مروان سکه‌های اسلامی ضرب شدند(واقدی، ۱۳۷۴: ۳۴۵/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸/۱۳؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۳). وجود دارالضرب‌های فراوان در قلمرو اسلامی از جمله ایران، ماوراءالنهر، عراق، شام و آفریقا طی قرون دوم و سوم هجری گویای استقلال مالی مسلمانان بود(عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۹۶-۴۰۰؛ اشپولر، ۱۳۷۹: ۲۴۲/۲-۲۵۱؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۴۲-۵۳ و ۱۲۷-۱۲۸ و ۱۳۱-۱۳۴ و ۱۳۹-۱۴۷؛ قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۶). با گسترش بازرگانی، بازرگانان مسلمان علاوه بر سکه از پول اعتباری در داد و ستد استفاده می‌کردند(کورزین، ۱۳۸۶: ۱۲ و ۶۳؛ حورانی، ۱۳۸۷: ۷۸) که از مزایایی چون امنیت و حمل و نقل آسان برخوردار بودند. در عصر عباسیان با افزایش محصولات

کشاورزی و رشد صنعت و بازرگانی پول اهمیت بیشتری یافت و یک نظام پولی بین‌المللی به وجود آمد. ضرب سکه‌های نقره به صورت پراکنده بودند. ضرب سکه‌های طلا به دلیل دسترسی مقدار زیاد به فلزات گران‌بهای چون طلای آفریقا روزبه‌روز بیشتر می‌شدند (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۲۷/۲). سکه‌ی نقره بیشتر در مناطق بومی و اسلامی به منظور تجارت داخلی استفاده می‌شد ولی سکه‌ی طلا برای تجارت خارجی و معاملات راه دور کاربرد بیشتری داشت. گسترش ضرب سکه، پائین آمدن بهای فلزات قیمتی، رواج صرافی، چک و سفته، انباشت و ذخیره‌ی موجودی‌های نقدی و استفاده از انواع پول‌ها در داد و ستد نقش مهمی در پیشرفت و رونق بازرگانی بر عهده داشت (مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۸۴؛ الشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۲-۱۵).

علاوه بر موارد ذکر شده عواملی چون افزایش جمعیت، گسترش شهرها، بالا رفتن سطح زندگی و رفاه موجود در آن، پیشرفت تمدن، گسترش قلمرو اسلامی، گسترش زبان عربی به عنوان زبان تجاری بین‌المللی و مبادله، همکاری بین بازرگانان،<sup>۱</sup> ایجاد شرکت‌ها و اتحادیه‌های بازرگانی در روند رونق بازرگانی در عصر عباسیان سرعت بخشید و بازرگانی از مهم‌ترین ارکان زندگی اقتصادی جامعه اسلامی گردید (مکی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۸۴؛ الشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۲-۱۵).

#### نتیجه

تجارت و بازرگانی به دو صورت داخلی و خارجی در شبه جزیره عربستان انجام می‌شد. تجارت از جایگاه بالایی در مکه برخوردار بود و رکن عمده و اصلی اقتصاد مکه را تشکیل می‌داد. با فتح مکه انحصار تجارت در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

<sup>۱</sup> . عرب و غیر عرب، مسلمان و غیر مسلمان با هم کار می‌کردند و در زمان ورشکستگی یکی از بازرگانان، همکاری‌اش با همکارانش به او سرمایه‌ای می‌دادند تا به کسب خود رونق دهد. همچنین از فراوانی و کمبود کالا در بازار به همدیگر اطلاع می‌دادند.

مسلمانان به دلیل جنگ‌ها و کمبود سرمایه به تجارت منطقه‌ای می‌پرداختند. در قرن اول به علت درگیری مسلمانان با کشورهای مختلف و کسب غنایم فراوان، فرصتی برای بازرگانی وجود نداشت و تجارت نقش مهمی در اقتصاد جامعه ایفا نمی‌کرد. جامعه‌ی اسلامی نیز به تاجر و تجارت توجهی نداشت. اما با پایان یافتن فتوحات فعالیت اقتصادی بازرگانان از قرن دوم در سرزمین‌های دوردست شروع شد. در دوره‌ی عباسیان بازرگانان به عنوان یک طبقه در جامعه به شمار می‌آمدند و تجارت نقش اساسی در اقتصاد بر عهده گرفت و در حد جهانی توسعه یافت. در هر جامعه‌ای عواملی موجب رشد اقتصاد و به تبع آن تجارت می‌شود. احداث راه‌های تجاری خشکی و دریایی که زمینه‌ی ارتباط را بین سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی طی قرون اول تا سوم هجری برقرار می‌کرده است و امنیت آن‌ها، انواع کالاها و محصولات نفیس و کمیاب مناطق مختلف که توسط بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان بین سرزمین‌های مختلف از طریق بازارها و اصناف که از نظر اقتصادی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در تجارت داشتند داد و ستد و معامله می‌شدند که زمینه‌ی رشد و رونق بازرگانی را فراهم آوردند. ضرب سکه و استفاده از انواع پول‌ها چون سکه‌ها و پول‌های اعتباری در فعالیت‌های اقتصادی نقش مهمی در پیشرفت بازرگانی بر عهده داشت. علاوه بر آن گسترش زبان عربی، تامین تسهیلات رفاهی، افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، افزایش مصرف کالاهای تجملاتی، پیشرفت تمدن، گسترش شهرها، رواج صرافی، پائین آمدن بهای فلزات قیمتی، همکاری بین بازرگانان نقش مهمی در توسعه‌ی اقتصادی بر عهده داشتند. در اثر چنین شرایطی تمدن اسلامی عصر عباسیان رونق و شکوفایی یافت و به دوران طلایی خود رسید. بازرگانی در این دوره از مهم‌ترین ارکان اقتصاد شد و جامعه اسلامی مقام اول را در تجارت جهانی کسب کرد و بغداد به مرکز تجارت جهانی بدل گردید.

## منابع

۱. ابن ادريس، عبدالله عبدالعزيز (۱۳۸۶)، مدینه در آستانه بعثت، ترجمه هادی انصاری، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲. ابن الاثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، کامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگه.
۴. ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
۵. ابن خردادبه (۱۳۷۱)، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه‌ای از آندره میکل، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل با همکاری موسسه فرهنگی حنفاء.
۶. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۰-۱۳۵۹)، سیرت رسول الله (ص) مشهور به سیره النبی، ترجمه و انشای: رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه، مقدمه و تصحیح: اصغر مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۷. ابن هلال ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید (۱۳۷۱)، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. ابوالفداء (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۹. اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران: سروش.
۱۰. احسن، محمد مناظر (۱۳۶۹)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان (۱۷۰-۷۸۹، ۵۲۸۹-۷۸۹م)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.



۱۱. اشپولر، برتولد (۱۳۷۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۷۶)، جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۳. امینی، محمدهادی (۱۳۷۲)، تاریخ مکه، ترجمه محسن آخوندی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
۱۵. بشارتی، علی محمد (۱۳۷۹)، تاریخ تحلیلی اسلام و ایران (از ظهور اسلام تا سقوط بغداد)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
۱۶. بقایی، حمید (۱۳۹۱)، ژئوتوریسم جاده ابریشم، تهران: زیتون سبز.
۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
۱۸. بولنوا، لوس (۱۳۸۳)، راه ابریشم، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. بیانی (اسلامی ندوشن)، شیرین (۱۳۷۷)، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ، جام.
۲۰. بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳)، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
۲۱. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱)، دلایل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران (از آغاز تا سلسله قاجار)، تهران: آرمانشهر.

۲۳. پیرنیا، محمدکریم، کرامت‌الله افسر (۱۳۷۰)، راه و رباط، تهران: آرمین.
۲۴. پیگولوسکایا، ای.و. و دیگران (۱۳۵۴)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
۲۵. تاجر سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱)، سلسله‌التواریخ یا اخبار الصین و الهند، ترجمه حسین قرچانلو، با گردآوری و اضافات: ابوزید حسن سیرافی، تهران: اساطیر.
۲۶. تاد، لوئیس پاول، کنت-اس-کوپر، کلارنس ووروسورن سن (۱۳۴۲)، سیر تکاملی تمدن (سیر تاریخ، تمدن و فرهنگ بشری از دورترین ازمه تا پایان جنگ بین‌المللی دوم)، ترجمه هاشم رضی و مجید رضی، تهران: آسیا.
۲۷. ترمانینی، عبدالسلام (۱۳۸۵)، دایرةالمعارف تاریخی (رویدادهای تاریخ اسلام) از آغاز تا ۲۵۰ هجری، ترجمه جمعی از پژوهشگران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۷)، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۳۰. حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. حسن، حسن ابراهیم (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه جاویدان، جاویدان.
۳۲. حکیمی، محمود (۱۳۸۳)، تاریخ تمدن یا داستان زندگی انسان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۳. حموی، یاقوت‌بن‌عبدالله (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

۳۴. حورانی، آلبرت حبیب (۱۳۸۷)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۳۸)، دریانوردی عرب در دریای هند در روزگار باستان و در نخستین سده‌های میانه، ترجمه محمد مقدم، تهران: فرانکلین، ابن سینا.
۳۶. خضری، احمد رضا (۱۳۸۴)، تاریخ خلافت عباسی: از آغاز تا پایان آل بویه، تهران: سمت.
۳۷. دان، راسئی، و دیگران (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، پیوندهای فراسوی زمان و مکان، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: طرح نو.
۳۸. دنت، دانیل (۱۳۵۸)، مالیات سرانه و تاثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۳۹. دورانت، ویل (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ترجمه ابوطالب صارمی - ابوالقاسم پاینده - ابوالقاسم طاهری، تهران: علمی و فرهنگی.
۴۰. راثین، اسماعیل (۲۵۳۶)، دریانوردی ایرانیان، تهران: شرکت انتشارات جاویدان.
۴۱. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۲)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
۴۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰)، بامداد اسلام (داستان آغاز اسلام و انتشار آن تا پایان دولت اموی)، تهران: امیرکبیر.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
۴۴. زیدان، جرجی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.

۴۵. سامر، فیصل (۱۳۹۱)، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۶. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۷. شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹)، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.
۴۸. الشیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۹. صدر، رضا (۱۳۸۳)، راه محمد (ص)، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۵۰. صدر، سید کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۵۲. طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۱)، دولت امویان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی با اضافاتی از رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۴. عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.
۵۵. عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷)، دارالضربهای ایران در دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۵۶. علی، امیر (۱۴۰۱ هجری)، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: گنجینه.
۵۷. علی، جواد (۱۳۹۱)، تاریخ عرب در دوران اسلامی: سیره نبوی، ترجمه منصور داداش نژاد، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۵۸. علی، صالح احمد (۱۳۷۵)، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مشعر.
۵۹. غزالی طوسی، ابو حامد امام محمد (۱۳۶۱)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۰. فولتس، ریچارد (۱۳۸۵)، دین‌های جاده‌ی ابریشم: تجارت بری و داد و ستد فرهنگی از آغاز تا قرن پانزدهم، ترجمه ع. پاشایی، تهران: فراروان.
۶۱. قاسم‌بگلو، مرتضی (۱۳۸۵)، سکه‌های سیراف، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
۶۲. قرآن کریم
۶۳. قره‌چانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت.
۶۴. کورزین، فیلیس (۱۳۸۶)، امپراتوری اسلامی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۶۵. گریمبرگ، کارل (۱۳۶۹)، تاریخ بزرگ جهان، ترجمه غلامرضا سمیعی، بی‌جا: شرکت انتشارات یزدان.
۶۶. گوستاولوبون (۱۳۳۴)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
۶۷. گولد، جولیس، ویلیام ل. کولب (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار.

۶۸. لاپیدوس، ایرام، (۱۳۸۷)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات.
۶۹. لوکاس، هنری، (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: موسسه کیهان.
۷۰. لومبارد، موريس (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۷۱. لوئیس، برنارد (۱۳۸۶)، خاورمیانه دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نی.
۷۲. ماله، آلبر (۱۳۶۶)، تاریخ قرون جدید، ترجمه فخرالدین شادمان، تهران: دنیای کتاب و نشر علم.
۷۳. متز، آدام (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا (رنسانس اسلامی)، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۷۴. مزارعی، عدنان (۱۳۸۴)، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران و ایرانیان از آغاز تا صفویه، تهران: دهخدا.
۷۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۷۶. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۷۷. مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، مقدمه ترجمه و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
۷۸. مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.

۷۹. منتظرالقایم، اصغر (۱۳۸۶)، تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهارم هجری)، تهران: سمت.
۸۰. میرجلیلی، حسین و دیگران (۱۳۸۹)، تجارت در جهان اسلام، مترجمان موسی احمدیان و دیگران، تهران: کتاب مرجع.
۸۱. میکال، آندره، با همکاری هانری لوران (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
۸۲. نهج البلاغه.
۸۳. نیرنوری، عبدالحمید (۱۳۸۵)، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۸۴. وات، مونتگومری (۱۳۶۱)، تاثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۸۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۴)، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی‌زاده، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۸۶. واقدی، محمدبن سعد کاتب (۱۳۷۴)، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۸۷. هولت، پیترمالکوم، ان، ک، س، لمبتون، برنارد لوئیس (۱۳۸۷)، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.
۸۸. هییت مولفان (۱۳۸۳)، تاریخ جهان لاروس (روزگار باستان و قرون وسطی)، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، تهران: سروش.
۸۹. یاری، سیاوش (۱۳۸۸)، تاریخ اسلام در هند (از آغاز تا قرن پنجم هجری قمری)، قم: ادیان.

۹۰. یعقوب بن ابراهیم، قاضی ابویوسف (۱۳۳۵)، الخراج، ترجمه میرعلی اصغر شعاع، بی‌جا: نشرات مدیریت جریده ثروت وزارت مالیه.
۹۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۷)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی. ۹۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی